

کریتر^۱ در بررسی تفاوت‌های جنسی در رفتارهای خطرناک بین پسران و دخترانی که دعوا با یک دوست پسر، دختر و یا شریک قرار را تجربه کرده بودند، نشان داد در بین دخترانی که دعواهای قرار را تجربه کرده بودند، رفتارهای پرخطر شامل شرکای جنسی متعدد در سه ماه گذشته، تلاش‌های مکرر خودکشی در ۱۲ ماه گذشته، رانندگی در زمان مستی، تزریق مواد مخدر، نوشیدن الکل قبل از مقاربت، بارداری‌های متعدد، رابطه جنسی اجباری و مصرف مواد استنشاقی بیشتر بود (هویدافر، ۱۳۸۳).

با این حال مطالعات مختلف نشان می‌دهد که ارائه آموزش و برنامه‌های مداخله‌ای این آسیب‌ها را کاهش می‌دهد. این مداخلات ممکن است به صورت گروهی ارائه شود. آموزش‌های گروهی مبتنی بر رویکردهای اطلاع‌رسانی است که در جریان آن فرض بر برخورد عاقلانه فرد است و به تبع آن ارائه پیامدهای زیانبار روابط کنترل نشده با جنس مخالف موجب تغییر نگرش و به تبع آن تغییر رفتار نوجوان در این زمینه می‌شود (گلزاری، ۱۳۸۴ و بهرامی احسان، ۱۳۸۳). در این زمینه مطالعات چندی صورت گرفته است. از جمله این مطالعات می‌توان به پژوهش داپس^۲ (۲۰۰۶) اشاره کرد که دریافت با آموزش دختران نوجوان کنیایی و ارائه آموزش جنسی در مدارس دخترانه کنیا می‌توان احتمال بارداری پیش از موعد و ابتلای به ایدز و آشفته‌گی‌های خانوادگی را به‌طور معناداری کاهش داد.

ایتاق و بریدجز^۳ (۲۰۰۴) در مطالعه خود نشان دادند که آموزش نوجوانان در مورد نحوه برقراری رابطه با جنس مخالف و تعیین ضابطه در این زمینه ممکن است استرس‌ها و مشکلات آنان را به میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش دهد. هوارد^۴ (۲۰۰۳) هم نشان داد که ارائه آموزش مهارت زندگی در حیطة مدیریت رابطه با جنس مخالف باعث کاهش خطر حاملگی و افزایش ابراز وجود در مقابل جنس مخالف و نگرش مثبت‌تر به ازدواج می‌شود. اسچوم، سلیمیان و بل^۵ (۲۰۰۰) هم دریافتند آموزش دختران دبیرستانی در مورد چگونگی برقرار رابطه با جنس مخالف، رفتارهای مخاطره‌آمیز آنان

-
- | | |
|-----------------------------|-----------|
| 1. Kreiter | 2. Dupas |
| 3. Etagh & Bridges | 4. Howard |
| 5. Schomm, Sillimian & bell | |

نظیر مصرف افراطی الکل، مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفتن و همچنین طرد از جانب دوستان را کاهش می‌دهد.

از معدود مطالعات داخلی صورت گرفته در این زمینه می‌توان به مطالعه آقایانی (۱۳۸۸) اشاره کرد که نشان داد آموزش روابط سالم باعث افزایش آگاهی دانش‌آموزان دوره متوسطه اصفهان نسبت به روابط آسیب‌زای دختر و پسر، به‌ویژه در دانش‌آموزان دختر می‌شود. طایفی (۱۳۸۵) هم در مطالعه خود دریافت ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج باعث آسیب به خانواده و تداوم نیافتن پیوند و ارتباط با آنها می‌شود، هویدافر (۱۳۸۳) هم در دریافت آموزش مبتنی بر آگاهی‌بخشی نسبت به روابط آسیب‌زا، تأثیر معناداری بر نگرش دانش‌آموزان دختر و افزایش آگاهی آنان داشته است. رئیسی دهکردی، ناخدایی‌زاده، شفیعی و عبادی (۱۳۸۳) هم نشان دادند، ارائه آموزش بر آگاهی، نگرش و رفتار بهورزان زن شهرستان کوه‌رنگ درباره عفونتهای جنسی تأثیر می‌گذارد و باعث افزایش آگاهی آنها در این زمینه و به تبع آن کاهش عفونتهای جنسی در آنان می‌شود.

کوشی (۱۳۷۴) نیز در پژوهشی به بررسی علل رابطه با جنس مخالف در دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی تحصیلی منطقه ۱۸ تهران پرداخت. برخلاف این تصور که رابطه با جنس مخالف در سنین قبل از ازدواج جزء نیازهای طبیعی دانسته شده است، نتایج این تحقیق نشان داد دخترانی که با جنس مخالف خود رابطه دارند، نسبت به سایر همسالان خود از نظر فردی، اجتماعی و خانوادگی دارای مشکلات بیشتری هستند؛ در زمینه فردی به‌طور نسبی خودانگاره‌ای ضعیف و معیوب دارند و ارزیابی‌های آنها از خود پایین‌تر از گروه عادی است، از نظر خانوادگی هم دخترانی که با جنس مخالف ارتباط داشتند، با مادران خود ارتباط صمیمی کمتری داشته و از نظر تحصیلی نیز دانش‌آموزان دختری که با جنس مخالف رابطه داشتند در سطحی پایین‌تر از سایر دانش‌آموزان قرار داشتند.

مرور معدود پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه روابط آسیب‌زای دختر و پسر به‌ویژه در ایران نشان می‌دهد که اگرچه احتمال بروز آسیب‌های فراوان در این ارتباطات برای نوجوانان و به‌ویژه دختران وجود دارد، کمتر مطالعه‌ای به ارزیابی این‌گونه روابط پرداخته است، کما اینکه مطالعات انگشت‌شماری به بررسی مداخلات آموزشی برای کاهش آسیب‌های ناشی از این روابط پرداخته است. این در حالی است که با توجه به شرایط فعلی جامعه ایران و افزایش مسیرهای ارتباطی بین دختر و پسر، صرف‌نظر از

هرگونه قضاوت اخلاقی در مورد این‌گونه روابط، ضرورت آموزشهای مبتنی بر چگونگی برقراری ارتباط صحیح با جنس مخالف پیش از ازدواج، بیش از پیش احساس می‌شود. بر این اساس ضروری است که نوجوانان آموزش لازم برای برقراری رابطه سالم را دریافت نمایند. به همین منظور و با توجه به اینکه پژوهش‌های داخلی محدودی در این زمینه انجام شده، این پژوهش با هدف تعیین تأثیر آموزش با هدف افزایش آگاهی از آسیبهای حاصل از روابط آسیب‌زای دختر و پسر بر نگرش دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه انجام شد. فرض بر آن بود که این آموزش باعث افزایش بینش و آگاهی دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه در زمینه آسیبهای اجتماعی، آسیبهای روانی - عاطفی، آسیب به زندگی مشترک آینده، آسیب به روابط با خانواده و افزایش مشکلات تحصیلی و همچنین، افزایش بینش کلی و تغییر نگرش آنان نسبت به روابط آسیب‌زای ناشی از این‌گونه روابط می‌شود.

روش تحقیق

روش این پژوهش نیمه آزمایشی از نوع دو گروهی با پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری یکماهه بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان دختر پایه اول و دوم شاخه نظری دوره متوسطه منطقه شاهین‌شهر شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ بود. تعداد کل این دانش‌آموزان براساس آمار ارائه شده از مرکز آمار آموزش و پرورش منطقه شاهین‌شهر ۲۶۴۰ نفر بود.

نمونه پژوهش نیز شامل ۱۱۰ دانش‌آموز دختر (۵۸ نفر پایه اول و ۵۲ نفر پایه دوم) بود که به شیوه خوشه‌ای انتخاب و در گروههای پژوهش قرار گرفتند ($n_1 = n_2 = 55$). روش خوشه‌ای به این علت انتخاب شد که با توجه به حجم نمونه و طبقه‌بندی آن برحسب کلاس، انتخاب کلاس عملی‌تر از انتخاب تک‌تک افراد جامعه بود (گال، بورگ و گال، ۱۳۸۴). در این روش واحد نمونه‌گیری، کلاس در نظر گرفته شد. بر این اساس در ابتدا از بین مدارس متوسطه شاهین‌شهر، چهار مدرسه به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. در هر مدرسه هم به صورت تصادفی یک کلاس اول یا دوم انتخاب شدند. در گام سوم، کلاس انتخاب شده به‌صورت تصادفی در یکی از نمونه‌های پژوهش قرار گرفتند. شمای کلی طرح در ادامه ارائه شده است.

شمای کلی طرح تحقیق

پیش‌آزمون	گروه	پس‌آزمون	پیگیری
O ₁	X	O ₂	O ₃
O ₄	C	O ₅	O ₆

با توجه به اهداف این پژوهش و کمبود ابزار در این زمینه، پژوهشگر با نظر استادان متخصص در این زمینه به منظور ارزیابی نگرش دانش‌آموزان اقدام به تدوین پرسشنامه محقق‌ساخته با عنوان پرسشنامه «نگرش نسبت به روابط دختر و پسر» کرد. این پرسشنامه دارای ۴۱ گویه است که آزمودنی به صورت موافقم / مخالفم بدان پاسخ می‌دهد. نمره‌گذاری آن بر مبنای صفر و یک بود. برای تأمین روایی، پرسشنامه به شیوه محتوایی به سه نفر از استادان روان‌شناسی ارائه شد که نظرات ایشان بیانگر منطبق بودن محتوای گویه‌ها با هدف پرسشنامه بود. علاوه بر این از روش همبستگی با نمره کل هم برای تأمین روایی استفاده شد. پایایی پرسشنامه هم با استفاده از روش آلفای کرانباخ محاسبه شد (جدول ۱).

جدول ۱- ضرایب پایایی و روایی پرسشنامه نگرش نسبت به روابط دختر و پسر

خرده‌مقیاس	تعداد گویه	تعداد آزمودنی	ضریب پایایی (آلفای کرانباخ)	ضریب روایی	معناداری (P<۰/۰۱)
آسیب‌های اجتماعی	۱۲	۱۳۰	۰/۸۴	۰/۸۷۹	۰/۰۰۰
آسیب‌های روانی، عاطفی	۸	۱۳۰	۰/۷۹	۰/۸۰۱	۰/۰۰۰
آسیب به زندگی مشترک آینده	۸	۱۳۰	۰/۷۰	۰/۸۰۴	۰/۰۰۰
آسیب به روابط خانواده	۶	۱۳۰	۰/۷۳	۰/۶۵۷	۰/۰۰۰
مشکلات تحصیلی	۷	۱۳۰	۰/۶۹	۰/۶۸۵	۰/۰۰۰
نمره کل	۴۱	۱۳۰	۰/۹۲	-	۰/۰۰۰

نحوه انجام این پژوهش هم بدین صورت بود که پس از تعیین اهداف و جامعه آماری و ساخت ابزار، نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای انجام شد. سپس برنامه آموزشی در شش جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تنظیم گردید. مداخله آموزشی به صورت یک جلسه در هفته برای آزمودنی‌های گروه آزمایش برگزار شد و گروه گواه چنین مداخله‌ای دریافت نکرد. آزمودنی‌های هر دو گروه، در جلسه اول (قبل از آغاز مداخلات به عنوان پیش‌آزمون)، انتهای جلسه آخر (پس‌آزمون) و چهار هفته پس از برگزاری آخرین جلسه به عنوان پیگیری مورد ارزیابی قرار گرفتند. داده‌های حاصل از اجرا با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS₁₃ تحلیل گردید. در این راستا، ضمن محاسبه میانگین و انحراف معیار نمرات، از تحلیل کوواریانس چندمتغیره استفاده شد. در این تحلیل، نمرات پیش‌آزمون متغیر کنترل، عضویت گروهی متغیر وابسته و نمرات خرده‌مقیاس‌ها و نمره کل پرسشنامه نگرش نسبت به روابط به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

از مجموع ۱۱۰ آزمودنی، ۲ آزمودنی گروه آزمایش و ۳ آزمودنی گروه گواه به دلیل نقص در تکمیل پرسشنامه یا دسترسی نداشتن برای ارزیابی در مرحله پیگیری از تحلیل حذف شدند. میانگین نمره کل آزمودنی‌های گروه آزمایش در مرحله پیش‌آزمون ۲۹/۷۰، در مرحله پس‌آزمون ۳۲/۶۶ و در مرحله پیگیری ۳۲/۶۷ بود. میانگین آزمودنی‌های گروه گواه هم در مرحله پیش‌آزمون ۳۰/۷۳، در پس‌آزمون ۳۰/۱۵ و در مرحله پیگیری ۲۸/۳۰ بود (جدول ۲).

نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که برحسب نمره کل، نمرات پیش‌آزمون یک رابطه معنادار ۴۷/۶ درصدی با نمرات پس‌آزمون و رابطه معنادار ۳۸/۲ درصدی با پیگیری دارد ($P < 0/05$). با کنترل این رابطه و مقایسه میانگین‌های تعدیل شده که با کنترل نمرات پیش‌آزمون به دست می‌آید، مشاهده شد که تفاوت معناداری بین نمرات آزمودنی‌ها برحسب عضویت گروهی وجود دارد ($P < 0/05$). مجذور اتا یا میزان تأثیر نشان داد که در مجموع، مداخله ارائه شده باعث تغییر ۶/۸ درصدی در نگرش کلی دختران دانش‌آموز در پس‌آزمون و تغییر ۷/۲ درصدی در مرحله پیگیری شده است. توان آماری ۷۷ درصد و ۸۰ درصد هم بیانگر دقت آماری مطلوب این آزمونها در مراحل پس‌آزمون و پیگیری و نیز کفایت حجم نمونه (مولوی، ۱۳۸۶) بوده است (جدول ۳).

جای جدول ۲

جدول ۳- نتایج تحلیل کوواریانس برای تعیین اثربخشی آموزش پیشگیری از روابط آسیب‌زا در دانش‌آموزان دختر برحسب نمره کل

منبع تغییرات	مرحله	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معناداری	میزان تأثیر (درصد)	توان آماری (درصد)
پیش‌آزمون	پس‌آزمون	۴۳۹۴/۴	۱	۴۳۹۴/۴	۹۲/۶۴	۰/۰۰۰	۴۷/۶	۱۰۰
	پیگیری	۴۲۹۴/۵	۱	۴۲۹۴/۵	۶۳/۷۵	۰/۰۰۰	۳۸/۲	۱۰۰
عضویت گروهی	پس‌آزمون	۳۵۱/۸۸	۱	۳۵۱/۸۸	۷/۴۲	۰/۰۰۸	۶/۸	۷۷
	پیگیری	۵۳۸/۸۶	۱	۵۳۸/۸۶	۸/۰۰	۰/۰۰۶	۷/۲	۸۰

مقایسه میانگین‌های تعدیل شده (جدول ۴) که از کنترل اثر نمرات پیش‌آزمون به دست می‌آید، با میانگین‌های خام مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد که میانگین باقی‌مانده نمرات آزمودنی‌های گروه آزمایش نسبت به نمرات خام اولیه افزایش و نمرات گروه گواه کاهش یافته است. همچنین نمرات گروه آزمایش هم در پس‌آزمون و هم در پیگیری بیش از گروه گواه است.

جدول ۴- میانگین تعدیل شده نمرات آزمون روابط در مراحل پس‌آزمون و پیگیری برحسب نمره کل دانش‌آموزان دختر

عضویت گروهی	پس‌آزمون		پیگیری	
	میانگین	خطای معیار	میانگین	خطای معیار
گروه آزمایش	۳۳/۲۴	۰/۹۵	۳۲/۷۴	۱/۱
گروه گواه	۲۹/۶۵	۰/۹۶	۲۸/۲۳	۱/۱

علاوه بر این نتایج تحلیل کوواریانس، در جدول ۵ نشان می‌دهد که با کنترل نمرات پیش‌آزمون و با توجه به ضرایب F محاسبه شده، تفاوت معناداری بین میانگین تعدیل شده نمرات آزمودنی‌های دختر گروه آزمایش و گواه در مرحله پس‌آزمون در حیطه «آسیب‌های اجتماعی» وجود دارد ($P < ۰/۰۵$)؛ لذا نتیجه می‌گیریم که آموزش پیشگیری از روابط آسیب‌زا باعث تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به این شده است که

روابط آسیب‌زا بین دختر و پسر به آسیب‌های اجتماعی منجر می‌شود. میزان تأثیر نشان می‌دهد که این مداخله باعث تغییر نگرش ۳/۹ درصدی در پس‌آزمون در دانش‌آموزان شده است. توان آماری ۵۹/۳ درصدی نیز بیانگر توان آماری متوسط این آزمون است. این در حالی است که این مداخله در مرحله پیگیری بر نگرش نسبت به آسیب‌های اجتماعی این‌گونه روابط، تأثیر معناداری نداشته است.

علاوه بر این در حیطه آسیب‌های روانی - عاطفی، نتایج نشان داد با بررسی رابطه نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون و پیگیری ($P < ۰/۰۵$)، آموزش پیشگیری از روابط آسیب‌زا تأثیر معناداری بر نگرش دختران دانش‌آموز نسبت به «آسیب‌های روانی-عاطفی» این‌گونه روابط در پس‌آزمون و پیگیری ندارد.

این در حالی است که با کنترل رابطه معنادار نمرات پیش‌آزمون مقیاس «آسیب به زندگی مشترک آینده» با نمرات پس‌آزمون و پیگیری و با توجه به ضرایب F محاسبه شده، تفاوت معناداری بین میانگین تعدیل شده نمرات دو گروه در این خرده‌مقیاس در مراحل پس‌آزمون و پیگیری وجود دارد ($P < ۰/۰۵$). لذا می‌توان گفت آموزش پیشگیری از روابط آسیب‌زا تغییر معناداری در نگرش دانش‌آموزان دختر نسبت به اینکه این‌گونه روابط به ایجاد مشکل در زندگی مشترک آینده منجر می‌شود، در مراحل پس‌آزمون و پیگیری ایجاد کرده است. میزان تأثیر بیانگر آن است که این آموزش باعث تغییر ۳/۸ درصدی نگرش در مرحله پس‌آزمون و ۴/۸ درصدی در مرحله پیگیری در دختران نسبت به «آسیب به زندگی مشترک آینده» شده است. توان آماری ۵۹/۶ درصدی و ۶۸/۵ درصدی هم بیانگر دقت آماری متوسط این آزمون است.

همچنین با کنترل رابطه نمرات پیش‌آزمون خرده‌مقیاس «آسیب به روابط خانوادگی»، نتایج نشان داد، آموزش پیشگیری از روابط آسیب‌زا باعث تغییر نگرش دختران نسبت به تأثیر روابط در ایجاد مشکلات در روابط خانوادگی شده است. میزان تأثیر نشان می‌دهد که ۳/۸ درصد تفاوت نمرات در مرحله پس‌آزمون و ۴/۹ درصد تفاوت در نمرات در مرحله پیگیری ناشی از عضویت گروهی است. توان ۶۱/۴ درصدی و ۷۱/۶ درصدی هم بیانگر دقت آماری مطلوب این آزمون‌هاست. علاوه بر این، بررسی اثربخشی مداخلات در خرده‌مقیاس «مشکلات تحصیلی» نشان می‌دهد که با کنترل نمرات پیش‌آزمون و با توجه به تفاوت بین میانگین‌های تعدیل شده دو گروه، مداخله ارائه شده بر نگرش دانش‌آموزان دختر در خرده‌مقیاس «مشکلات تحصیلی» تأثیر معناداری ندارد (جدول ۵).

جای جدول ۵

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، مقایسه میانگین‌های نمرات تعدیل شده با میانگین‌های نمرات خام مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد که با کنترل نمرات پیش‌آزمون، میانگین تعدیل شده نمرات آزمودنی‌ها در حیطه «آسیب به روابط اجتماعی» در گروه آزمایش کاهش و در گروه گواه افزایش یافته است. همچنین در خرده‌مقیاس «آسیب‌های روانی-عاطفی» در مراحل پس‌آزمون و پیگیری تفاوت محسوسی ندارد. علاوه بر آن در خرده‌مقیاس «آسیب به زندگی مشترک» در مرحله پس‌آزمون نمرات گروه آزمایش اندکی افزایش یافته، ولی نمرات گروه گواه در مراحل پس‌آزمون و پیگیری اندکی کاهش نشان می‌دهد. همچنین در خرده‌مقیاس «آسیب به روابط خانوادگی» نتایج می‌دهد که میانگین‌های باقی‌مانده گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون و پیگیری اندکی افزایش را نشان می‌دهد، ولی گروه گواه اندکی کاهش را نشان می‌دهد. در خرده‌مقیاس «مشکلات تحصیلی» هم با بررسی نمرات پیش‌آزمون، نمرات پس‌آزمون و پیگیری گروه آزمایش و گواه تفاوت محسوسی را نشان نمی‌دهند.

جدول ۶- میانگین تعدیل شده نمرات خرده‌مقیاس‌های پنجگانه بر حسب عضویت گروهی و مرحله ارزیابی

خرده‌مقیاس	عضویت گروهی	پس‌آزمون		پیگیری	
		میانگین	انحراف معیار		میانگین
آسیب‌های اجتماعی	گروه آزمایش	۸/۷۵	۰/۳۹	۸/۷۳	۰/۳۹
	گروه گواه	۷/۵۰	۰/۴۰	۷/۵۰	۰/۴۱
آسیب‌های روانی - عاطفی	گروه آزمایش	۵/۷۷	۰/۲۲	۵/۴۰	۰/۲۶
	گروه گواه	۵/۲۲	۰/۲۳	۵/۰۰	۰/۲۷
آسیب به زندگی مشترک آینده	گروه آزمایش	۶/۷۱	۰/۲۴	۶/۷۶	۰/۳۱
	گروه گواه	۵/۹۴	۰/۲۴	۵/۶۸	۰/۳۱
مشکلات خانوادگی	گروه آزمایش	۵/۳۵	۰/۱۱	۵/۵۸	۰/۱۷
	گروه گواه	۵/۰۰	۰/۱۱	۴/۹۶	۰/۱۸
مشکلات تحصیلی	گروه آزمایش	۵/۸۱	۰/۲۵	۵/۶۰	۰/۲۸
	گروه گواه	۵/۸۴	۰/۲۴	۵/۵۲	۰/۲۸

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نهایی این پژوهش نشان داد که ارائه آموزش با هدف افزایش آگاهی از آسیب‌های ناشی از روابط آسیب‌زای دختر و پسر در مرحله پس‌آزمون و پیگیری باعث تغییر نگرش دانش‌آموزان شده است. این تغییر نگرش نشان می‌دهد که روابط با جنس مخالف مشکلات و پیامدهای منفی را به دنبال دارد ($P < 0/05$). این نتایج با مطالعات داپس (۲۰۰۶) هوارد (۲۰۰۳) ایتاق و بریدجز (۲۰۰۴) اسچوم و همکاران (۲۰۰۰) و فرمینی (۱۳۸۳)، رئیسی دهکردی (۱۳۸۳)، بی‌یرز (۲۰۰۳)، و هابرمین (۲۰۰۳)؛ نقل از هویدافر، (۱۳۸۳) همخوانی دارد.

بررسی نتایج اثربخشی آموزش پیشگیری از روابط آسیب‌زا در حیطه «آسیب‌های اجتماعی» نشان داد که مداخله باعث تغییر نگرش ۳/۹ درصدی دختران در مرحله پس‌آزمون شده است. این نتایج با مطالعات بی‌یرز (۲۰۰۳) که دریافت پس از آموزش نوجوانان عقیده داشتند اگر با خانواده رابطه قوی برقرار کنند کمتر سراغ رفتارهای پرخطر می‌روند، مطالعه اسچوم و همکاران (۲۰۰۰) که نشان داد ارائه آموزش رابطه با جنس مخالف باعث کاهش طرد از جانب دوستان می‌شود، مطالعه کوثری (۱۳۷۴)، مبنی بر آنکه دخترانی که با جنس مخالف رابطه دارند، نسبت به همسالان خود که این رابطه را ندارند از نظر فردی، رفتارهای اجتماعی و خانواده بیشتر با مشکلات روبه‌رو می‌شوند و مطالعه دیوانی (۱۳۸۱) که مطرح کرد آموزش روابط سالم به دختر و پسر نوجوان باعث تصحیح نگرش و آگاهی عملکرد صحیح در روابط اجتماعی می‌شود، همخوانی دارد. از جمله دلایل ایجاد آسیب در روابط اجتماعی، می‌توان به این مسأله اشاره کرد که اگر نوجوان با جنس مخالف خود رابطه داشته باشد، از بسیاری مسائل اطراف خود از جمله قوانین محیطی و اجتماعی غافل می‌شود و این غفلت به کناره‌گیری او از جامعه منجر می‌شود و چه بسا که این دوری او از جامعه باعث تن دادن به رفتارهای بزهکارانه می‌شود.

همچنین نتایج نشان داد که آموزش، تأثیر معناداری بر تغییر نگرش دانش‌آموزان دختر در حیطه «آسیب‌های عاطفی - روانی» ندارد و نتایج به دست آمده با مطالعات ایتاق و بریدجز (۲۰۰۴) مبنی بر اینکه آموزش و تعیین ضابطه رفتاری، استرس و مشکلات نوجوانان را در رابطه با جنس مخالف کاهش می‌دهد، مطالعه هوارد (۲۰۰۳) که نشان داد ارائه آموزش مهارت زندگی در حیطه مدیریت و رابطه با جنس مخالف

باعث کاهش خطر حاملگی و افزایش ابراز وجود در قبال جنس مخالف و نگرش مثبت‌تر به ازدواج می‌گردد، همچنین مطالعه اسچوم و همکاران (۲۰۰۰) مبنی بر اینکه ارائه آموزش و چگونگی برقراری رابطه با جنس مخالف باعث کاهش سوء استفاده جنسی می‌شود، همخوانی دارد.

محتوای آموزش ارائه شده هم به صورت مستقیم و هم در قالب بیان نظرها و دیدگاههای خود نوجوانان بر پیامدهای روانی مختلف ناشی از این گونه روابط اشاره داشت و این امر نگرش کلی دختران را در مورد ناچیز بودن پیامدهای روانی روابط آسیب‌زا تغییر داد. علاوه بر آن به این مسأله نیز اشاره می‌شد که در فرهنگ ایرانی، برقراری ارتباط جنسی به صورت کامل به دلیل پیامدهای مختلف آن از جمله حاملگی ناخواسته، احساس مورد سوء استفاده قرار گرفتن، احتمال از دست دادن بکارت و فشار اجتماعی ناشی از این نوع رابطه از جانب اطرافیان، آسیب‌های عاطفی و روانی مضاعفی را برای دختران نوجوان رقم می‌زند.

مطالعات اکسترند و همکاران (به نقل از کولینگ، ۲۰۰۳) نشان داد آموزش در زمینه پیشگیری از ارتباط با جنس مخالف و رفتارهای پرخطر جنسی باعث افزایش مهارت‌های «نه گفتن» در مقابل انجام آن روابط و رفتارها می‌شود، مطالعات حموت و فانک (۱۹۹۲؛ به نقل از هویدافر، ۱۳۸۳) که رابطه بین رفتارهای پرخطر جنسی و ارتباط با جنس مخالف، با افزایش آگاهی در زمینه رابطه سالم براساس برنامه‌ای به نام «مغرور باش، مسؤول باش» بررسی کردند و دریافتند که پس از ارائه آموزش، این افراد ارتباط با جنس مخالف و رفتارهای پرخطر جنسی کمتری را نشان می‌دهند و همچنین با مطالعات کلی (۲۰۰۴) که دریافت آموزش در زمینه روابط باعث می‌شود، اعتماد به نفس فرد افزایش یافته و اضطرابش در «نه گفتن» کاهش یابد و در نتیجه از انجام رفتارهای پرخطر جنسی جلوگیری به عمل می‌آورد و مطالعات رامانا کریشنا (۲۰۰۶) که نشان داد رابطه با جنس مخالف باعث ایجاد مشکلات هیجانی و روانی می‌شود و عزت نفس را کاهش می‌دهد، ناهمخوان است. دلیل این ناهمخوانی شاید این باشد که مدت زمان ارائه آموزش‌ها در این پژوهش کافی نبوده است و طی شش جلسه یک و نیم ساعته هم نباید این انتظار را داشت که مطالب در تمام حیطه‌ها اثرگذار باشد؛ چرا که فشرده‌سازی مطالب از غنای مطلب و محتوای بحث می‌کاهد و از

ایجاد زمینه برای بحث و تبادل نظر وسیع بین آموزشگر و آزمودنی‌ها درباره مطالب مورد نظر تا حدودی جلوگیری می‌کند.

به هر حال از این مسأله نباید غافل شد که ارتباط با جنس مخالف ممکن است مشکلات عاطفی - روانی، مثل افسردگی و اضطراب را به دنبال داشته باشد. روان‌شناسان غربی نیز پیامدهای ناشی از این روابط را هیجانات عاطفی روانی منفی نظیر پرخاشگری و افسردگی پیش‌بینی می‌کنند. بنابراین از جمله دلایل ناهمخوانی را می‌توان توجیه نشدن دانش‌آموزان در مورد مطالب آموزشی دانست و شاید با ایجاد تغییر در حیطه دانش، در حیطه عاطفی یادگیری آنان تغییری حاصل نشده باشد. ممکن است مدت زمان محدود و شش هفته‌ای آموزش و توان آماری پایین هم از دیگر علل این ناهمخوانی باشد. شاید اگر آموزش مفصل‌تر و با تعامل بیشتری ارائه می‌شد، اثربخشی میزان مداخلات بیشتر می‌شد؛ چرا که شاید اثربخشی مداخلات در حیطه آسیب‌های عاطفی - روانی در طولانی‌مدت صورت می‌گیرد، لذا در پایان دوره آموزش یا در انتهای پیگیری یکماهه، نمی‌توان انتظار چندانی برای تغییر داشت.

همچنین نتایج خرده‌مقیاس «آسیب به زندگی مشترک» با مطالعات هازن (هویدافر، ۱۳۸۳) که به این نتیجه رسید، کسانی که قبل از ازدواج عاشق می‌شوند و با شریک خود رابطه دارند، بعد از ازدواج عشقشان کاهش می‌یابد، نیز مطالعات نلسون و وامپلر که دریافتند افرادی که قبل از ازدواج رابطه با جنس مخالف را تجربه کرده و رابطه جنسی هم داشته‌اند، نسبت به همسر خود عملکرد ضعیف‌تری نشان دادند و وضعیت نابسامان آنها بر همسرانشان نیز تأثیر منفی می‌گذارد (فورمن، ۲۰۰۲) و مطالعه رهنما (۱۳۸۳) مبنی بر تأثیر آموزش پیشگیری از روابط جنسی قبل از ازدواج را در رضایت از زندگی با همسر آینده مؤثر دانسته، همخوان است.

نتایج پژوهش حاضر و پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج باعث بدبینی، سوءظن و کاهش علاقه نسبت به همسر آینده می‌شود. در واقع وجود رابطه قبل از ازدواج، باعث افزایش سطح انتظار مورد مقایسه در فرد می‌شود که در جریان آن فرد وضعیت فعلی خود را برحسب تجارب مشابه قبلی ارزیابی می‌کند و در صورت داشتن تجارب متعدد و متنوع، انتظار بیشتری از موقعیت و وضعیت خود نسبت به فردی دارد که تجارب محدودی دارد و یا حتی بدون تجربه ارتباطی بوده است. در جریان رابطه با جنس مخالف در دوران نوجوانی و جوانی نیز

مسئله این‌گونه است؛ فردی که قبل از ازدواج دارای روابط متعددی بوده است، پس از ازدواج همسر خود را با شرکای جنسی قبل از ازدواج مقایسه می‌کند و انتظارات همسان یا بیشتر از موارد قبلی از همسر خود دارد و این انتظار کاذب، در کنار سایر علل ممکن است باعث آسیب در زندگی زناشویی و به طبع وجود رابطه با جنس مخالف شود. لذا ارائه آموزش پیشگیرانه، ضمن اشاره به این مسئله ممکن است باعث افزایش بیش از موردنیها در این زمینه شود. این نتایج در حالی است که تعریف پژوهشگران خارجی از رابطه با جنس مخالف قبل از ازدواج، روابط جنسی را شامل می‌شود و با تعریف فرهنگ ایرانی در این مورد تا حدودی متفاوت است.

در ارزیابی نتایج حاصل از اثربخشی مداخله آموزشی بر نگرش در حیطه «آسیب به روابط خانوادگی» مشخص شد که این مداخله باعث تغییر نگرش ۳/۸ درصدی در پس‌آزمون و ۴/۹ درصدی در پیگیری می‌شود ($P < 0/05$). این نتایج با مطالعات رامانا کریشنا، کارپوت و مورفی (۲۰۰۶) که نشان دادند داشتن روابط با جنس مخالف باعث دوری از خانواده می‌شود، تحقیق داپس (۲۰۰۶) که با آموزش دختران نوجوان کنیایی دریافت ارائه آموزش جنسی در مدارس دخترانه در کنیا در کنار کاهش احتمال بارداری پیش از موعد و ابتلای به ایدز، آشفته‌گی‌های خانوادگی را نیز به‌طور معناداری کاهش می‌دهد، نتایج استینبرگ (۲۰۰۱) که روابط با جنس مخالف را در سنین نوجوانی عاملی برای ایجاد مشکلات خانوادگی می‌داند، طایفی (۱۳۸۵) که نشان داد ارتباط با جنس مخالف قبل از ازدواج باعث آسیب به خانواده و تداوم نداشتن پیوند و ارتباط با آنها می‌شود، مطالعه کوثری (۱۳۷۴) که دریافت دانش‌آموزانی که با جنس مخالف ارتباط دارند، با مادران خود ارتباط عاطفی و صمیمی کمتری نسبت به همسالان خود دارند، همخوانی دارد. این نتایج مؤید این نکته است که رابطه با جنس مخالف در سنین نوجوانی باعث کمرنگ شدن ارتباط نوجوان با خانواده می‌شود و با مشکلات مختلف روانی و عاطفی روبه‌رو می‌شوند.

از جمله دلایل این مسئله به نظر می‌رسد که با توجه به اینکه ارتباط با جنس مخالف مشغله‌های فکری زیادی به دنبال دارد، لذا نوجوان دائماً می‌خواهد در تخیلات شیرین خود به‌سر برد. علاوه بر آن معمولاً خانواده با آگاهی یافتن از این‌گونه روابط، مانعی برای تداوم رابطه می‌شود. این‌گونه روابط، باعث پنهان‌کاری و ترس نوجوان از فاش شدن و لو رفتن روابط او می‌شود و همین به فاصله گرفتن و گاهی فرار نوجوان از خانه منجر می‌گردد.

تغییر نتایج این تحقیق در حیطه «مشکلات تحصیلی» نشان داد که آموزش ارائه شده، تأثیری بر نگرش نوجوانان دختر در حیطه نقش روابط آسیب‌زا در ایجاد مشکلات تحصیلی نداشته است. این نتایج با نتایج حاصل از مطالعه ری کیپ، (۲۰۰۴؛ به نقل از هویدافر، ۱۳۸۳) همخوانی ندارد، او به این نتیجه رسید ۹۵ درصد نوجوانان دریافت‌کننده برنامه‌های آموزش ارتباط با جنس مخالف، موفقیت تحصیلی بیشتری کسب کرده و به تحصیل علاقه‌مندی بیشتری نشان دادند.

علاوه بر تفاوت در روش‌شناسی و محتوای آموزش‌های ارائه شده در این دو تحقیق، شاید از جمله دلایل دیگر برای ناهمخوانی این نتایج، عدم پذیرش آسیب‌زا بودن روابط با جنس مخالف در زمینه مسائل تحصیلی از جانب دانش‌آموزان دختر در این پژوهش باشد. علی‌رغم آنکه مشغله ذهنی ناشی از این‌گونه روابط از جمله عواملی است که ممکن است بر دقت، توجه، تمرکز و یادگیری دانش‌آموزان تأثیر بگذارد و به افت عملکرد تحصیلی منجر شود، به نظر می‌رسد که در بین نوجوانان عوامل مهم‌تر دیگری نظیر میزان مشکلات خانوادگی، بهره هوشی، مشکل بودن دروس و حتی شیوه تدریس دبیران بر افت تحصیلی تأثیرگذارتر از وجود این‌گونه روابط است و حتی در صورت وجود این‌گونه روابط، افت تحصیلی به عوامل مذکور اسناد داده می‌شود و توجهی به پیامدهای روابط آسیب‌زا با جنس مخالف ندارند.

علاوه بر این هنگامی که فرد عاشق شده و ترشح هورمونی متفاوت می‌شود، عشق به عنوان یک موتور حرکتی به سوی اهداف عمل می‌کند (هویدافر، ۱۳۸۳). بنابراین شاید دختران می‌پندارند رابطه با جنس مخالف نه تنها عاملی برای افت تحصیلی نمی‌شود، بلکه به پیشرفت هم منجر می‌گردد. با توجه به مطالب مطرحه به نظر می‌رسد که این افکار فقط توجهی برای مقاصد و اهداف آنهاست و تجربه نشان داده که مشغله‌های ذهنی عاملی برای اضطراب و افت عملکرد تحصیلی می‌باشد. احتمالاً حجم نمونه و توان آماری پایین هم از جمله محدودیتهای این تحقیق در ارزیابی نتایج در این حیطه باشد.

با توجه به نتایج این پژوهش و با توجه به اینکه مسائل ارتباطی با جنس مخالف در حال حاضر در حال تبدیل به یکی از مهمترین آسیب‌های اجتماعی دوره نوجوانی و جوانی می‌شود، پیشنهاد می‌شود که ارائه مداخلات آموزشی مبتنی بر پیشگیری از روابط

آسیب‌زا در برنامه‌های آموزشی مشاوران مدارس دوره متوسطه و حتی راهنمایی قرار گیرد. علاوه بر آن سایر سازمانهایی که در زمینه نوجوانان فعالیت دارند (نظیر سازمان ملی جوانان، امور فرهنگی شهرداری‌ها، صدا و سیما، کانون‌های پرورش فکری و امثال آن) نیز ارائه آموزش‌هایی در زمینه چگونگی برقراری ارتباط صحیح با جنس مخالف را مدنظر قرار دهند. این در حالی است که با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران، به نظر می‌رسد که گام اول در این زمینه، ایجاد یک توافق و اجماع نظر بین مسئولان و متولیان این امر به ویژه در حوزه‌های اجتماعی و اخلاقی است. علاوه بر آن به نظر می‌رسد که هرگونه برنامه آموزشی، می‌تواند که نگرش والدین را نیز به این‌گونه روابط در نظر گرفت.

پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی، دوره‌های مداخله طولانی‌تر و در مقاطع مختلف تحصیلی صورت گیرد؛ چرا که نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که آموزشها در زمینه مسائل مختلف رابطه با جنس مخالف می‌تواند در افزایش رفتار سالم با توجه به فرهنگ خاص آن جامعه مؤثر باشد و آموزش چگونگی و تنظیم حدود روابط به نحوی که بهترین بازدهی را برای تأمین نیازهای فرد و جامعه به دنبال داشته باشد، ضروری است. همچنین پیشنهاد می‌شود تدوین جلسات آموزشی به دور از هرگونه تعصب خاص باشد و واقع‌بینانه به مسأله روابط با جنس مخالف پرداخته شود تا بتوان آموزش‌هایی ارائه کرد که تأثیرگذار باشد. بررسی نگرش خانواده و در نظر گرفتن آموزش‌های ویژه برای والدین در زمینه‌های مختلف روابط با جنس مخالف و چگونگی برخورد آنها با نوجوانان و بیان دیدگاه‌های مذهبی در مورد روابط دختر و پسر، در پیشگیری از روابط آسیب‌زا مؤثر است؛ چرا که انسان به خصوص در نوجوانی در زمینه مسائل مختلف به‌ویژه مسائل جنسی و رابطه با جنس مخالف کنجکاو است و تلاش می‌کند سؤالات خود را در درجه اول از والدین بپرسد. بسیاری از والدین به دلیل نداشتن اطلاعات کافی و صحیح در این زمینه، آنها را بی‌ادب و بی‌حیا تلقی می‌کنند، در نتیجه نوجوان به سوی منابع اطلاعاتی دیگر از جمله، دوستان و رسانه‌های گروهی نظیر اینترنت و ماهواره روی می‌آورد و احتمال اینکه اطلاعات ناقص و نادرست در اختیار وی قرار گیرد، زیاد است و این مسأله خود باعث ایجاد آسیب‌های بیشتری می‌شود.

منابع

افضلی، داود. (۱۳۸۴)، *عوامل زمینه‌ساز در ایجاد روابط ناسالم میان دختر و پسر*، ستاد مطالعات آسیب‌شناسی روابط دختر و پسر. برگرفته از سایت:

[http:// www. dokhtar- pesar. com.](http://www.dokhtar-pesar.com)

آقایی، مریم. (۱۳۸۸)، «بررسی اثربخشی آموزش رابطه سالم در افزایش آگاهی دانش‌آموزان متوسطه نسبت به روابط آسیب‌زای دختر و پسر شهر اصفهان»، *چکیده مقالات همایش آسیب‌های اجتماعی منطقه زاگرس جنوبی*، شهرکرد، دانشگاه علوم پزشکی.

بهرامی احسان، هادی. (۱۳۸۳)، *اعتیاد و فرایند پیشگیری*، تهران، انتشارات سمت.

دیوانی، علی. (۱۳۸۱)، «بررسی نگرش زوج‌های در شرف ازدواج در خصوص مسائل جنسی در شهر اصفهان»، پایان‌نامه دکتری حرفه‌ای پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده پزشکی. رئیس‌دهکردی، فاطمه. مهدی ناخدایی‌زاده. فروغ شفیعی و فریده عبادی. (۱۳۸۳)، «بررسی تأثیر مداخله آموزشی بر آگاهی، نگرش و قصد رفتاری بهورزان زن شهرستان کوهرنگ درباره عفونت‌های جنسی»، دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دانشکده پزشکی.

رهنما، اکبر. (۱۳۸۳)، *بررسی تأثیر آموزش‌های حین ازدواج بر رضایت زناشویی گروهی از زوجین تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی شهر تهران*، طرح پژوهشی دانشگاه شاهد.

زینتی، علی. (۱۳۸۳)، «اسلام و روابط دختر و پسر»، *ماهنامه علمی فرهنگی و اجتماعی زنان*، ۲۸، ۵.

شمس، محسن. (۱۳۸۵)، *آموزش سلامت*، برگرفته از سایت:

www.jeko2000.blogfa.com

شیعه. (۱۳۸۵)، *پرسش و پاسخ دینی*، برگرفته از سایت: <http://www.eshia.ir>

طایفی، علی. (۱۳۸۵)، *نگرش ایرانیان ایران و آمریکا به روابط جنسی پیش از ازدواج و خانواده*، برگرفته از سایت جامعه‌شناسی ایران.

[www. Sociology of Iran, hTm. Mihan B log. Com](http://www.SociologyofIran.com)

عزیزی، مصطفی. (۱۳۸۶)، *رابطه دختر و پسر*، برگرفته از سایت: [www. Porseman. org](http://www.Porseman.org)

عابدی، محمدرضا. رضوان هویدافر و زهرا یوسفی. (۱۳۸۴)، *فرمت آموزش روابط سالم و پیشگیری از روابط آسیب‌زای دختر و پسر*.

فرمهبینی فراهانی، محسن. (۱۳۸۳)، «بررسی محتوای مناسب برای تربیت جنسی در مدارس از دیدگاه والدین، معلمان و دانش‌آموزان»، *تربیت اسلامی*، ۸.

قائمی، علی. (۱۳۸۳)، *حدود آزادی در روابط پسران و دختران*، کانون مشاوره خانواده دانشگاه صنعتی اصفهان.

قرشی، بهناز. (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه بین میزان شادکامی و هوش هیجانی با نوع ارتباط با جنس مخالف در دانشجویان دختر و پسر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.

کوثری، محمدرضا. (۱۳۷۴)، «بررسی علل رابطه با جنس مخالف در دانش‌آموزان دختر دوره راهنمایی تحصیلی منطقه ۱۸ آموزش و پرورش تهران و ارائه راه‌حل مسأله»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.

گال، مردیت. والتر بورگ و جوینس گال. *روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ترجمه دکتر احمدرضا نصر و همکاران، (۱۳۸۴)، جلد اول، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی و دانشگاه شهید بهشتی.

گلزاری، محمود. (۱۳۸۴)، «آموزش و مشاوره با نوجوانان در زمینه ارتباط با جنس مخالف»، *دومین کنگره بین‌المللی روان‌درمانی در شرق و گفت‌وگوی تمدن‌ها*، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.

مشهدی رستم، فاطمه. (۱۳۸۴)، *آسیب‌شناسی روابط دختر و پسر*، برگرفته از سایت:

<http://www.iranmania.com>

مولوی، حسین. (۱۳۸۶)، *راهنمای عملی SPSS 10-13-14 در علوم رفتاری: تحلیل توصیفی و استنباطی داده‌ها در طرحهای پژوهشی، آمار و روان‌سنجی*، اصفهان، انتشارات پویش اندیشه.

مهرآرا، علی اکبر. (۱۳۷۳)، *زمینه روان‌شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات مهرداد.

هاوتون، کرک و سالکوس کیس. *رفتار درمانی شناختی*، جلد اول، ترجمه حبیب‌الله قاسم‌زاده، (۱۳۸۳)، تهران، انتشارات ارجمند.

هویدافر، رضوان. (۱۳۸۳)، *اثربخشی آموزش روابط سالم در افزایش آگاهی دانش‌آموزان دوره متوسطه نسبت به روابط آسیب‌زای دختر و پسر شهر اصفهان*، شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان اصفهان.

Adams, G. Gullato, T. Mark, S. & Adams, C.M. (1994). *Adolescents Life experience*. California: Brooks Cole's publishing company.

Beyers, S, et al. (2003). An Adolescent perspective on sexual Health Education at school and at home: Middle school students the Canadian. *Journal of Human sexuality*: V: 12.19 – 34.

- Dupas, P. (2006). *Relative education and the Market for Sex: Teenagers, Sugar Daddies and HIV in Kenya*. *Journal of Adolescence*, 152(4): 183–191
- Etaugh, C.A. & Bridges. (2004). *The psychology of sexual relation in adolescents*, New York: Pearson Publishing.
- Forman, L. (2002). *Clinical handbook of couple therapy*. New York: Guilford Publishing.
- Horan, J. (1999). The meaning of abstinence for college students. *Online Recapp Journal Summery*. <http://www.etr.org>
- Howard, D. & Wang M.Q. (2003). Life skills training gender relation based in girls, *Adolescence*, Roslyn Heights: Vo 138(5), pg: 1–17 .
- Kelly, K. (2004). *Dating Violence*. The National clearing house on family Violence.
- Kreiter, R. & Krowchuk, .D.P. (1999). Gender differences in Risk Behaviors among Adolescents who Experience Date fighting. *Pediatrics*. V: 404. 1286–1292 .
- Kuling, K. (2003). Correlation of sexual activity/ substance Abuse and Team sport participation among Adolescents Nation wide. *Archives of pediatries and Adolescent Medicine*. V: 157. 205–212 .
- Ramakrishna, I., karoott, M. & Murthy, R.S. (2006). *Experiences of sexual coercion among street boys in Bangalore, India*. [http:// www. Who. int/ reproductive health/ publications/ to wards adu thood /14 .pdf](http://www.who.int/reproductivehealth/publications/towardsadulthood/14.pdf).
- Schumm, W.P. Silliman, B. & Bell D.B. (2000). Perceived premarital Counseling out comes and relation education Among high school girls. *Journal of sex Marital therapy*, 26(2): 177–89 .
- Spencer. J. & zimet, G. (2002). Self esteem as a predictor of initiation of cutis in early Adolescents. *Recap Journal summery*. 25(6): 245–253
- Steinberg, L. (2001). We know & mouthing: parent-adolescent relationship in retrospect and prospect. *Journal Research Adolescents*. V: 11. 4–19 .

<p>تاریخ وصول: ۸۶/۵/۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۸۶/۹/۲۰</p>
